

عکس العمل در اروپا

بیوین ویداولت رهبری را بدست میگیرند

جورج مارشال در بیانیه خود در هاروارد اظهار داشت : « The initiative must come from Europe ». کشور های اروپایی باید یک پروگرام دسته جمعی بازسازی را رویدست می گرفتند و وامریکا نقش خود را تا « friendly aid » محدود میساخت .

سوال این بود که چه کسی در اروپا باید سر رشمه را بدست بگیرد. حکومت هالند بدین ارتباط نقشی را برای کشور های بنی لوکس ملاحظه میکرد. نشریه «نیوی روتردامسی کورانت» مورخ ۷ جون ۱۹۴۷ از مطلبی خبر داد که آنجا در واشنگتن نیز از قبل احساس میشد. ی . ن . کلیفینس وزیر اسبق امور خارجه و نماینده کنونی هالند در ملل متحد بتاريخ ۹ جون بر شورای وزیران قبولاند تا بزودی با بلجیم و لوکسمبورگ در باره یک عکس العمل جمعی به مذاکره بپردازد. « همچنان این سه کشور میتوانند اعلان کنند که نظر امریکا بصورت کل همجهت با تمایلی است که هالند، بلجیم و لوکسمبورگ از ۱۹۴۴ بدینطرف از آن ملهم میباشند.» بنظر فان کلیفینس عجله ضروری بود: « باید بر انگلستان ، که در آن عزم مشابه وجود دارد، تا حد امکان پیشی صورت بگیرد. » ۱ حکومت هالند میخواست مشترکاً با همتاآن خود دربنی لوکس ابتکار را بدست داشته باشد تا در برابر یک عمل انجام شده قرار نگیرد، چنانیکه در مذاکرات با چهار قدرت بزرگ در رابطه با آلمان بوقوع پیوست .

بهمه حال ، یک عکس العمل سریع از اتحاد بنی لوکس بروز ننمود. فان بوتزیلایرتوت اوسترهووت وزیر امور خارجه روز بعد با همتای بلجیمی خویش پ . ه . سپاک تماس گرفت . اما سپاک فکر میکرد که هنوز وقت یک عکس العمل رسمی و تحریری فرا نرسیده است . ۲ او ، احتمالاً بنابر ملحوظات اقتصادی میخواست انتظار بماند که فرانسه چه عکس العملی نشان میدهد. در عین زمانیکه هالند بتاريخ ۱۷ جون عکس العمل رسمی خود را به پیشنهاد مارشال ابراز نمود، بیوین وزیر امور خارجه انگلستان در پاریس با همتای فرانسوی خود گ . بیداولت به توافق رسیدند. توافق فرانسویها و انگلیسها بر سر مسایل عمده ، در هالند یأس بوجود آورده بود. شنیده

میشد که بیوین ویداولت میخواستند احتیاجات ضروری هر سکتور را به کمک در کشورهای مختلف بوسیله یکتعداد کمیسیونهای بین المللی بررسی کنند. این شیوه در برگیرنده یک برخورد اساسی با پرابلمهای اقتصادی اروپا نبود. مباحثه در باره همکاریهای وسیع وثمربخش متقابل میان کشور های اروپایی بوسیله قدرتهای بزرگ در نطفه خاموش گردید.

مولوتوف در پاریس

یک هفته بعدتر، در نهم جون بیوین ویداولت از اتحادشوروی دعوت نمودند تا پیشنهاد مارشال را با وی در پاریس مورد بحث قرار بدهند. کمک مارشال به اتحاد شوروی وکشور های اروپای شرقی نیز پیشنهاد گردید، زیرا امریکاییها نمیخواستند مسئولیت تقسیم اروپا را بعهده بگیرند. شوروی ها دعوت برای مذاکرات پیرامون پلان مارشال را پذیرفتند. آنها به این تصورگرائیده بودند که گویا اقتصاد امریکا در آستانه یک بحران جدی قرار گرفته است . بنظر اقتصاددانان شوروی امریکایی ها انتخاب دیگری نداشتند: آنها باید خود را از زیر بار کالاهای اضافی فارغ میساختند. شوروی ها میخواستند از وضعیت مستفید شوند ودر ضمن از پذیرش پیش شرطهای اخذ کمک نیز کنار بروند.

احساسات فرانسویها وبرتانیوها در مورد اشتراک شورویها دوگانه بود. از یکطرف هراس از آنکه مبادا مقصد شورویها از سهمگیری سبوتاژ پلان بازسازی باشد و از طرف دیگر امیدواری برای رسیدن به موافقه با اتحاد شوروی . مولوتوف آنها را بزودی از دو دلگی میان ترس و امید رهایی بخشید. در پاریس مولوتوف توضیح نمود که اتحاد شوروی حمایت دالری امریکارا صرف در صورتی قبول میکند که این حمایت بر مبنای مناسبات دوجانبه در دسترس قراربگیرد. اتحاد شوروی

بی بی مولوتوف مواظب بود تا گروه اطفالش ازبرابرغرفه هات داگ امریکایی بیتفاوت مارش کنند. کمکهای مارشال درپیش چشم اروپائیان شرقی بهدر رفت .

نمیخواست در یک پروگرام کمی چند جانبه سهم بگیرد. چنین چیزی بنظر مولوتوف بمعنی خدشه دار گردیدن حاکمیت ملی بود. او طرفدار بود که هرکشور خود احتیاجات خود را فهرست نماید. کشورهاییکه در گذشته تحت اشغال آلمان قرار داشتند باید در اقتناع درخواست های خود حق اولویت بدست میآوردند.

با آنکه جزئیات پلان مارشال تا هنوز خیلی کم روشن بود، کلایتون یک مطلب را در زمان سفر خود به لندن در آستانه مذاکرات با مولوتوف کاملاً واضح ساخت : « No shopping list ! ».

پلان اعمار مجدد اروپا نباید به مجموعه ای از خواهشات ملی کشور ها مبدل میشد. هدف این بود که یک پلان کوارنده شده اروپایی بوجود بیاید. همچنان ، کلایتون درلندن توضیح نمود که پلان مارشال اولتر از همه یک وسیله سیاسی برای حفاظت اروپای غربی از خطر سرخ میباشد. جاسوسان شوروی این مطلب را کشف کردند و فشرده ای از مضمون مذاکرات کلایتون در لندن را برای مولوتوف به پاریس مخابره نمودند. مولوتوف پس از بدست آوردن تلگرام اداره استخبارات در ۲ جولای ۱۹۴۷ مذاکرات را قطع نمود . پلان مارشال بمثابه « وسیله برای امپریالیزم دالر » مردود است . مولوتوف پاریس را ترک گفت .

یکروز بعد از آنکه مولوتوف مذاکرات را در پاریس قطع نمود، انگلستان و فرانسه دعوتنامه های یک کنفرانس را که باید بتاريخ ۱۲ جولای در پاریس آغاز میشد به تمام کشورهای اروپایی به استثنای آلمان تحت اشغال ، اسپانیای تحت اداره فرانکو و اتحادشوروی ارسال نمودند. با امتناع ورزیدن شوروی از کمک مارشال راه پولند و چکوسلواکیا نیز خیلی بزودی مسدود گردید. حکومت چکوسلواکیا در اول دعوت را برای سهمگیری در کنفرانس پذیرفت. اما دو روز قبل از آغاز کنفرانس گوتوالد صدراعظم و مساریک وزیر امور خارجه به مسکو خواسته شدند. ستالین به غضب بود. مساریک ، که کمی بعدتر جسدش در زیر کلکین تشناب خانه اش یافت شد، در باره سفر خود گفت : « من بحیث یک وزیر مستقل به مسکو رفتم و اکنون مانند یک پسر بچه ، پایدو ستالین باز گشته ام .» * ۵

هیئت بنی لوکس

در ۲ جولای ۱۹۴۷ ا. و. ل. تیاردان ستارکنبورگ ستاچوور سفیر هالند از پاریس به فان بوتزیلایر وزیر امور خارجه تلفون نمود. فان ستارکنبورگ به وزیر امور خارجه گفت ، هدف این است که

* گوتوالد مواظب بود تاخشم بیشتر ستالین تحریک نشود. او یک کودتای دولتی مخملین را رهبری کرد. دموکراسی در چکوسلواکیا پیوسته محدودتر میشد. در فبروری ۱۹۴۸ ضربه مرگبار وارد آمد. کودتا سبب تکان دنیای غرب شد و

کنگرس امریکا را تحریک نمود تا کمکهای مارشال را در اپریل ۱۹۴۸ تصویب کند.

در کنفرانس پاریس یک کمیته اجرائیه بمقصد ترتیب نمودن پلان اعمار مجدد اروپا ایجاد گردد.

درین کمیته انگلستان و فرانسه در هر صورت نماینده خواهند داشت و احتمالاً هالند هم ۶.

سپاک وزیر امور خارجه بلجیم در ششم جولای طی یک صحبت غیر رسمی به فان بوتزیلایر پیشنهاد نمود که در صورت بدست آوردن یک چوکی در کمیته اجرائیه از طرف هالند ، این چوکی بنمایندگی از هر سه کشور بنی لوکس اشغال شود. پیشنهاد سپاک با تمایل حکومت هالند منطبق بود : هالند میخواست در فرمولبندی فیصله های پاریس تأثیر داشته باشد، بناءً بایست یکجا با کشورهای بلجیم و لوکسمبورگ عمل مینمود. این سه گانه میتوانست تا یک حدی کشور های خود را در تعادل با قدرتهای بزرگ قرار بدهد.

قرار گذاشته شد که کشور های بنی لوکس در کمیسیونهای کنفرانس بحیث یک هیئت واحد با تعداد محدود اعضاء عمل نمایند و به ارتباط تمام مسایل مهم موضعگیری واحد داشته باشند. فان بوتزیلایر باید نمایندگی کشور های بنی لوکس را در کمیته اجرائیه بعهده میداشت. مزید برآن ، هانس ماکس هیرشفلد هالندی بحیث نماینده در گروه کاری متخصصان مربوط کمیته اجرائیه گماشته شد. هیرشفلد قبل از جنگ و در زمان جنگ در اداره امور اقتصاد و زراعت یک کارمند عالیرتبه بود. بعد از جنگ او بوظیفه خاص کمیسار حکومت در خدمات عمومی توظیف شد. درین وظیفه هیرشفلد خود را عمدتاً در دو پرابلم مهم سیاسی هالند مصروف ساخت : مسئله اندونیزیا و مسئله آلمان . از آنجائیکه او در مناسبات اقتصادی بین المللی خیلی وارد بود و یک مذاکره چی تجربه کار محسوب میشد، بحد اعلی شایسته آن بود که در کمیته اجرائیه از کشور های بنی لوکس نمایندگی کند .

هیرشفلد تقاضای بدست آوردن یک اسیستانت خوب را مطرح ساخت . در وزارت امور اقتصادی بدین ارتباط افکار بلادرنگ به ی. ه. فان دریبیوغل معطوف گردید. فان دریبیوغل سکرتر جوان و پر آینده REA و در عین حال دست راست سکرتر جنرال وزارت امور اقتصادی بود. برای فان دریبیوغل به آدرس تفریحگاه ایام مرخصی او در فرانسه تلفون رسید که او بایدخود را فردا شب بساعت شش در بار هتل رویال مونسیو در پاریس به هیرشفلد معرفی کند . به او گفته شد که هیرشفلد مرد چاق و عینکی است که بدون شک یک گیلان کنیاک در دست خواهد داشت . فان دریبیوغل مورد پسند هیرشفلد قرار گرفت و وظیفه سکرتریت هیئت هالند را عهده دار شد. *

* _ در جمله وظایف فان دریبیوغل ، همه روزه ترتیب نمودن یک تلگرام برای REA شامل بود. فان دریبیوغل گذارش را در نیمه روز مینوشت ، درین اثنا هیرشفلد در هتل یک چشم خواب میرفت . وقتی تلگرام برای ارسال آماده میشد فان دریبیوغل آنرا از زیر دروازه داخل اتاق هیرشفلد میانداخت و سه بار تک تک میزد. هرگاه هیرشفلد بجواب سه بار تک تک میزد ، تلگرام میتوانست ارسال شود .

در ۷ جولای هالند دعوت کنفرانس پاریس را بدست آورد. در زمره بوتزیلایر و هیرشفلد ف. ا.گ. کیسنگ رئیس بانک هالند ، د. پ. سپرنبورگ کفیل ریاست عمومی روابط اقتصادی خارجی وزارت امور اقتصاد و سفیر فان ستارکینبورگ اعضای هیئت هالند را تشکیل میدادند. همتان مذاکرات آنها از کشورهای بلجیم ، دنمارک ، فرانسه ، یونان ، انگلستان ، آیرلند، ایتالیا، لوکسمبورگ ، ناروی ، اطریش ، پرتگال ، ترکیه ، آیسلند، سویدن وسویزرلند گردهم آمده بودند.

کنفرانس پاریس

شانزده کشوریکه در تابستان گرم ۱۹۴۷ در قصر پیتیت گرد هم آمده بودند یک مجموعه بوقلمون را تشکیل میدادند. بعضی از کشورهای حاضر ، در جنگ بیطرف بودند، بعضی ها از جمله متحدين ، اما ایتالیا واطریش ازجانب مقابل . بعضی از کشورها به مخروبه مبدل شده بودند، دیگران خوشبخت تر بودند. فرانسه ، بریتانیا ، ایتالیا و هالند با کمبود اشد دالر مواجه بودند. درحالیکه سویدنی ها ، سویسی ها و بلجیمی ها احتیاج را نمیشناختند. در کنفرانس هم دولت ها _ دارای امپراطوریهای بزرگ مستعمراتی وهم دولت های بدون مستعمرات ، هم کشور های پر قدرت وهم کشورهای خیلی کوچک نمایندگی داشتند. یگانه وجه مشترک میان همه این کشور ها این بود که همه آنها در غرب پرده آهنین واقع بودند. گذشته از آن کمتر چیزهایی وجود داشت که آنها را با هم پیوند میداد و اما بیشتر آنچه آنها را دور میساخت . این تمایل برای همکاری نه بلکه انتظار کمک اقتصادی امریکا بود که آنها را در پاریس گردهم آورده بود . هیرشفلد بعد از ده روز مذاکره به بوتزیلایر گفت « که نزد کشور های مختلف بصورت کل فکر رسیدن به همکاری های متقابل اروپایی بمشاهده نمیرسد. بلکه تنها واستثناءً این فکر نزد هرکس حاکم است که چگونه به مقدار بیشتر دالر دست بیابد ویا اینکه چطور پلانهای خود را تحقق ببخشاند ، بدون آنکه بوسیله دیگران اخلاص شود.» ۸ بمنظور بدست آوردن کمکهای بیشتر دالری بعضی کشور ها احتیاج خود را بیشتر از آنچه واقعیت بود وانمود میساختند. در ارقام مبالغه میشد وبوسیله آنها مانور بعمل میآمد. فان در بیوغل بدین ارتباط اظهار داشت : « هرکس در پاریس کس دیگر را فریب میداد. (...) به باور من ، در یک کنفرانس بین المللی بندرت اینقدر جعل ، اینقدر دروغ واینقدر حالت اسفناک مثل آلمان وجود داشته است ، زیرا هدف ، منازعه برای زندگی وآینده کشورها بود.»^۹

« DO YOUR BEST »

در چهار روز اول کنفرانس از ۱۲ الی ۱۵ جولای وزرای امور خارجه گردهم آمده بودند . آنها

کمیسیون همکاریهای اقتصادی اروپا (CEES) را بوجود آوردند. در ضمن ، چنانکه انگلیسها و فرانسویها فیصله نموده بودند یک کمیته اجرائیه تحت ریاست انگلیسها ایجاد گردید که باید پروگرام بازسازی را تدوین مینمود. این کمیته متشکل از پنج عضو از CEES ، بطور مشخص از کشور های انگلستان ، فرانسه ، ایتالیا ، هالند و ناروی بود. تحت نظر کمیته اجرائیه یکتعداد کمیسیونهای تخنیکی به جمع آوری معلومات در باره تولید، مصرف ، صادرات و واردات کالاهای معین توظیف گردید، تا باشد که حدود کمکههای ضروری برای سکتور های مختلف در اروپا روشن شود. بدینترتیب ، مطابق تقاضای امریکاییها کمبود دالر برای هر سکتور محاسبه میشد نه برای هر کشور. کمیسیونهای تخنیکی برای ذغال ، برای آهن و فولاد، برای انرژی برق ، برای زراعت و مواد ارتزاقی و برای ترانسپورت ایجاد گردیده بود. در جریان کنفرانس چندین کمیسیون تخنیکی دیگر نیز اضافه گردید. کمیسیونها ده ها نوع فهرست سوالات را ترتیب مینمودند که باید از طرف کشور های شانزده گانه خانه پری و تسلیم داده میشد.

همه کشورها قادر نبودند که بنحو یکسان ارقام اقتصادی را بدسترس کمیسیونهای تخنیکی قرار بدهند. در هالند مراجع اختصاصی متعدد در خانه پری سوالنامه ها ذیدخل بودند، از قبیل دفتر مرکزی احصائیه (CBS) ، دفاتر دولتی و موسسات توزیع اجناس از زمان جنگ ، کمیسیون اسعاری و بسیاری ادارات دیگر. اما مثال یونان از شیوه دیگری حکایت مینمود. اینرا هیرشفلد و فان در بیوغل زمانی متوجه شدند که از طرف فردیلیس نماینده یونان در CEES برای صرف شام در اقامتگاه او دعوت شده بودند. اغلباً گویا قاعده ای وجود داشت : هر قدر کشور فقیرتر بود بهمان پیمانها اقامتگاه نماینده آن در پاریس لوکس تر میبود. میزبان یونانی در ریتز یک اقامتگاه داشت . هیرشفلد و فان در بیوغل در آنجا یک اتاقی را دیدند که تا سقف پر از سوالنامه های کمیسیونهای مختلف تخنیکی بود. آنها متعجب به این شدند که لستها باید پنج هفته قبل به آتن ارسال میگردد تا در آنجا از طرف موسسات اختصاصی ذیربط خانه پری میشد. مگر فردیلیس توضیح نمود که سوالنامه ها در آتن خانه پری نشد. او خودش بصورت عادی هر شب بعد از صرف طعام یک ساعت برای خانه پری لست ها کار میکند. ۱۰

بتاریخ ۱۶ جولای وزراء به کشورهای خود بازگشت نمودند و گروه کار کمیته اجرائیه که متشکل از کارشناسان عالیرتبه بود کار روز مره را آغاز نمود. باید بشدت کارمیشد، زیرا امریکایی ها به آگاهی رسانیده بودند که پروگرام باز سازی باید برای اول سپتمبر آماده باشد. مگر کار زیادی از دست کار شناسان پوره نبود: رهنمود های لازم در مورد اینکه پلان بازسازی باید دارای چه خصوصیات باشد ، تقریباً وجود نداشت. هیئت انگلیسی از طرف بیوین فقط با این دستور به ماموریت فرستاده شد که « Go to Paris and do your best » . ۱۱

کشور های بنی لوکس هنوز ارائه کننده زیادهترین مفکوره ها در باره حل پرابلمهای اقتصادی

اروپا بودند. قبل از تدویر کنفرانس ، وزرای امور خارجه و وزرای امور اقتصادی بلجیم وهالند میموراندمی را به نشر سپردند که در آن خاتمه مشی خفه کننده بیلاترالیستی در ترافیک تجارتي وتادیاتی مطالبه میشد و تقاضای ایجاد یک سازمان دایمی در اروپا مطرح گردیده بود. اما در کنفرانس تحلیل عمیق پرابلمهای اقتصادی اروپا صورت نگرفت . هیرشفلد با ابراز تأسف تذکر دادکه تعداد اشتراک کنندگان _ دارای تحصیلات اقتصادی در کنفرانس تا سطح هولناک کوچک بود. اکثریت کشورها به حل پرابلمهای خود علاقمندی داشتند نه به یک برخورد انتیگرالی .

مسئله آلمان

عمده ترین مناقشه در کنفرانس پاریس به مسئله آلمان ارتباط داشت که میان ه. ج. س. الفاند نماینده فرانسه و ه. م. هیرشفلد مشتعل گردید. الفاند تأکید میورزید که احیای صنایع آلمان برای امنیت اروپا تهدیدی را بوجود خواهد آورد. او میگفت که تنها از نام فرانسه نه بلکه از نام « یکتعدادکشورهای دیگری که نیز بوسیله آلمان اشغال گردیده بودند، صحبت میکند» . ۱۳ این یک تذکر نیشدار بطرف هیرشفلد بود که از نام کشور های بنی لوکس اهمیت نقش آلمان را در بازسازی اقتصاد اروپا خاطر نشان میساخت . بلجیم بالنسبه ، زیان نادیده جنگ را پشت سر گذاشته بود و در بندر انتورپن حتی دالره های فراوانی هم کمایی نموده بود. اما هالند در میان کشور های اروپای غربی از اثر جنگ ثقیل ترین خسارات را متحمل گردیده بود. این طرز تلقی که گویا هالند تحت اشغال آلمان قرار نداشت ، با عکس العمل شدید هیرشفلد مواجه میشد. او از ناحیه عدم حضور نماینده آلمان در کنفرانس بنابر مخالفت سرقوماندانی های متحدین منزجر بود.

فرانسه بر سر تأدیه غرامات ومحدود ساختن تولیدات صنعتی برحسب آنکه چهار قدرت بزرگ در مارچ ۱۹۴۶ در زونهای آلمان مقرر نموده بودند تأکید میورزید. فرانسویها نه تنها از ناحیه امنیت اروپا بلکه از ناحیه رقابت آلمان نیز نگرانی داشتند.

برای امریکاییها آلمان یک پرابلم اساسی بود که پلان مارشال باید راه حل آن را ارائه مینمود. آنها معتقد بودند که بازسازی آلمان یک شرط بازسازی اروپا است . گذشته از آن وضع آشفته آلمان برای امریکاییها مصارف مالی را دربر داشت . بناءً در عین حالیکه از موضعگیری کشور های بنی لوکس بصورت کامل حمایت میکردند، خود را از کنفرانس کنار کشیده بودند. زیرا میخواستند افاده بنمایند که متمایل نیستند پروگرام بازسازی را دیکته کنند. در صحبت های بیرون قصر پیتیت با امریکائیان ، هیرشفلد خود را با تمام قوا در مخالفت با موضعگیری فرانسویها قرار میداد. ۱۴

بعد از مذاکرات نهایت مشکل بالاخره فرانسویها تن دادند: آنها موافق شدندکه زونهای آلمان در پروگرام بازسازی دخیل باشند. در راپور نهایی CEES آمده بود که اقتصاد آلمان باید با

اقتصاد اروپا در کوپراسیون قرار بگیرد. سوالنامه های کمیسیونهای تخنیکي نیز عنوانی قوماندانی های زونهای چهارگانه تحت اشغال به آلمان ارسال شد. از آنجمله سه مرجع لست هارا بعد از خانه پری واپس ارسال نمودند.

اتحادیه گمرکی

بلجیم وهالند قبل از کنفرانس در میمورانوم خویش پیشنهاد کرده بودند که بمانند خود آنها یک اتحادیه گمرکی میان تمام کشور های اشتراک کننده ایجاد شود. فرانسوی ها در کنفرانس ازین مفکوره حمایت نمودند اما اشتراک آلمان در چنین اتحادیه گمرکی برای فرانسوی ها غیر قابل بحث بود.

انگلستان ضد یک اتحادیه گمرکی بود . برتانوی ها از سهم گرفتن در کدام سازمان قاروی سخت نفرت داشتند. انگلستان بنا بر منافع خود در جامعه اروپا ، طرفدار بوجود آمدن تعرفه های مشترک وارداتی برای اروپای غربی نبود. صرف ۲۵ فیصد تجارت خارجی انگلستان به اروپا تعلق میگرفت .

بدون انگلستان وبدون آلمان ، شامل شدن دریک اتحادیه گمرکی برای هالند جذابیت نداشت . در یک اتحادی که صرف از بنی لوکس ، فرانسه وایتالیا متشکل میبود ، مردم از تسلط نقش فرانسه هراس داشتند. برای اتحاد باکشور های سچه مدیترانه ای بنا بر بی اعتمادی کالونیستی در رابطه باجنوب ، در هالند انتوزیازم کمی وجود داشت . هیرشفلد اتحادیه گمرکی بنی لوکس را با کشورهای فرانسه وایتالیا بنا بر کمبود جدی نظم مالی وپولی درین دوکشورلاتینی واهی میدانست. ۱۵ علاوه برآن هالند هنوز خود برای یک اتحاد گمرکی آماده نبود. زیرا هالند بوسیله جنگ آنقدر ویران گردیده بود که شمول در یک اتحادیه گمرکی را صرف در چوکات روابط اقتصادی زمانهای قبل از جنگ بخود مجاز شمرده میتوانست . بناءً هیرشفلد سعی مینمود تا اشتیاق بلجیمی ها را برای اتحادیه گمرکی مهار کند.

سرتنبگی هالندی و مشکل تراشی انگلیسی

انگلستان نه تنها مخالف اتحادیه گمرکی بلکه مخالف ایجاد هر نوع سازمان مقتدر اروپایی بود. بیوین در اولین روز کنفرانس در بیانیه افتتاحیه خود خصلت موقت بودن CEES را خاطر نشان ساخت : « It is a piece of ad hoc machinery to grapple with this special problem »

« ۱۶

انگلستان باید عادت در یک ردیف قرار گرفتن با سایر کشور های اروپایی را فرا میگرفت . و این برای کشوری که در گذشته نزدیک لیدر جهان بود، آسان نبود . انگلیسها عادت داشتندکه همه مسایل را بصورت دوجانبه در مناسبات خاص خود با ایالات متحده حل وفصل کنند. یک سازمان

قوی اروپایی را آنها برای حاکمیت ملی خود خلل میپنداشتند. آنچه به عرصه اقتصاد مرتبط می‌شد، حکومت لیبرالیست میخواست بنابر تمایلات خود برای پلانهای اقتصاد ملی، غیر وابسته باشد.

هیرشفلد در کنفرانس از نام کشور های بنی لوکس برای ایجاد یک سازمان دایمی اقتصادی در اروپا سعی بلیغ به خرج میداد و درین امر خود را با مخالفت انگلستان مواجه مییافت. یک عضو هیئت انگلستان هیرشفلد را « یک فرد سختگیر، خسته کن و بیش از سایر هالندیها سرتنبه توصیف نمود. » ۷

به استثنای نارضائیتی از ناحیه اصرار ورزی، هیرشفلد در آن تابستان در پاریس بیش از همه بخاطر مهارت مسلکی خویش مورد احترام قرار گرفت. امریکاییها به او ارزش قایل بودند، زیرا او عملاً برای رویدست گرفتن یک پروگرام اروپایی تلاش میورزید. مزید برآن، موفقیت موضعگیری کواردنه شده مشارکت بنی لوکس - چیزیکه امریکاییها آنرا برای سایر کشورها الگو قرار میدادند، به تقویه موقف هیرشفلد کمک مینمود. بدینترتیب این سه کشور ترغیب شدند تا اتحاد گمرکی خویش را، پس از آنکه پیوسته به تقاضای هالند به تعویق می افتید، تحقق ببخشند. در راپور CEES آنها اعلام داشتند که از اول جنوری ۱۹۴۸ بنی لوکس به واقعیت مبدل شده است. این یگانه موفقیتی بود که کنفرانس در عرصه آزادی تجارت به آن دست یافت. اینک مابقی دستاوردها اندک بود، علت آن اولتر از همه مخالفت انگلیسها بود. با آنهم انگلیسها یک نقش خیلی با اهمیتی را ایفا نمودند: ریاست شایان در یک امر مشکلی که بزودی شانزده کشور شامل کنفرانس را قبل از ورود خزان به موافقه رساند.

شکایات امریکا

در ماه اگست واضح بود که راپور CEES تا اول سپتمبر آماده نخواهد شد. از ناحیه عدم اطمینان در مورد اشتراک آلمان در پروگرام بازسازی کار کمیسیونهای تخنیکی به تأخیر مواجه میشد. امریکاییها نمیتوانستند بیشتر ازین خود را کنار نگاهدارند، زیرا نتایج کار CEES زیاد مورد قناعت آنها نبود. وقت آن فرا رسیده بود که برای کمک وعده شده مارشال « friendly aid » پروگرام ترتیب شود.

کاکای ثروتمند از امریکا : « شما خودرا یک اندازه اصلاح کنید، در غیر آن ، من بار دیگر نزد شما نمی آیم .»
(نشریه «هاغسی پوست» ، ۲۱ جنوری ۱۹۵۰)

بناریخ ۳۰ اگست پنج نفر کارشناسان عالیرتبه امریکایی بشمول کلایتون و کنان موضوع راپور نهایی کنفرانس را با اعضای کمیته اجرائیه مورد بحث قرار دادند. کلایتون جلسه را با اعلام اینکه نتیجه کنفرانس تا این لحظه نا امید کننده بود وپلان مارشال را به خطر مواجهه میساخت ، افتتاح نمود. ۱۸ متعاقباً او یکسلسله شرایط را جمع بندی نمود که راپور CEES باید دربرگیرنده آنها میبود. اولاً باید یک مبلغ واقعبینانه تری بمقایسه آن ۲۸ میلیارد دالری که از محاسبات کمیسیونهای تخنیکی استخراج گردیده بود ، برای کمکها مدنظر گرفته میشد . اولین شکایت بزرگ امریکاییها از شکایت دومی منشاء میگرفت : علی الرغم هشدار آنها چوکات ضروریات کمکی خیلی شبیه یک لست خریداری ها بود. ذخایر و تولیدات در سطح جهانی خیلی کم مد نظر گرفته شده بود. بهمین لحاظ سنجشها رقم آنقدر بالایی را نشان میداد.

مورد بزرگ سومی در انتقادات کلایتون این بود که تا آن زمان هیچ حرفی در باره ایجاد یک سازمان دایمی اروپایی در میان نبود. همکاری میان شانزده کشور نباید صرف با ارائه راپور خاتمه مییافت . یک سازمان دایمی باید بمقصد اجرای پروگرام بوجود می آمد. در ادامه، کلایتون به علاقمندی هایی اشاره کرد که ایالات متحده به برطرف شدن ممانعت ها از راه تجارت وتادیات و استقرار ثبات در عرصه های مالی وپولی داشت .

در ۲۲ سپتمبر راپور CEES به حکومت امریکا تقدیم گردید. به اساس راپور احتیاج اروپا به دالر در چهار سال آینده به ۲۲,۴ میلیارد بالغ میگردد. ۱۹ پس از مذاکرات با کلایتون درمبلغ مورد نظریکبارگی شش میلیارد کاهش بعمل آمد. البته با این میتود ساده که سطح پائینتر قیم وارداتی به فرض گرفته شد. عدم دستیابی به یک میتود واقعبینانه تر برای محاسبه مبلغ معقول ، زیادتیر مبین خصلت همکاری میان شانزده کشور بود. در باره یک سازمان اروپایی کدام فیصله ای صورت نگرفته بود . اما در راپور آمده بود که در زمینه فکر خواهدشد. در راپور از جمله شانزده کشور سیزده آن اعلان نمودند که امکان ایجاد یک اتحادیه گمرکی را مطالعه خواهند نمود. نیم سال بعد یک گروه تحقیقاتی به این نتیجه رسید که ایجاد یک اتحادیه گمرکی اروپا عجالتاً غیر قابل دستیابی است .

راپور پاریس درباره پروگرام اعمار مجدد اروپا تکمیل گردیده بود، اما خصلت موقت داشت ،

زیرا امریکائیان از آن صرف‌قسمتاً راضی بودند. مزید برآن، پروگرام کمک باید از جانب کانگرس امریکا بتصویب میرسید.

پلان مارشال در کانگرس

در ۲ اکتوبر هیئت CEES به واشنگتن رفت تا حکومت و ادارات امریکایی را در آماده سازی پلان مارشال جهت ارائه شدن به کانگرس یاری برساند، در خزان آن سال ترافیک دیپلماتیک در مسیر اوقیانوس اتلانتیک مزدحم بود. در هنگام مسافرت باکشتی Queen Mary هیئت CEES با عده ای از اعضای کانگرس امریکا روبرو گردید که در راه بازگشت از مسافرت به اروپا در رابطه با پلان مارشال بودند: کمیسیون هرتر (Herter-commissie) از مجلس نمایندگان. هیئت CEES در واشنگتن از همه جهات با قدرت کانگرس امریکا مواجه شد. آنها بمشابه نمایندگان اروپایی که با وظایف نظارتی پارلمانهای خود آشنایی داشتند از دیدن صلاحیتهای خیلی بزرگتر کانگرس امریکا اغلباً به تعجب می افتیدند. کانگرس امریکا بحق قدرت قانونگذاری نامیده میشود، زیرا از خود دارای اپرات خیلی بزرگ کارشناسان بود و در پهلوی حکومت یک منبع مستقل شکل دهی مشی سیاسی را تشکیل میداد.

پرابلم ها در برابر پلان مارشال در کانگرس امریکا عمدتاً از جانب شاخه تجریدگرای حزب جمهوریخواه مطرح میگردد. سناتور روبرت ا. تافت وجانبداران او اشتیاقی برای دادن چنین مبلغ عظیم از پول عامه برای خارج نداشتند. قبل از این هم بیش از یازده میلیارد دالر برای کمک داده شده بود: پروگرام جدید کمک مزیدبرمصارف از طریق بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، مزیدبر اعطای قرضه ۳,۷۵ میلیارد دالر به انگلستان، مزیدبر کمک اضطراری برای مناطق آزاد شده واشغالی در اروپا و هکذا مزیدبر وعده های حکومت برآن بود که دگر برای درخواست مصارف بین المللی به کانگرس مراجعه نخواهد کرد. اما ترومن مراجعه کرد و کم از کم سه فیصد عایدناخالص ملی را تقاضا نمود.

برای ترومن این امر آرامش دهنده بود که از هر سه کمیسیونی که او برای مطالعه اثرات کمک مارشال بالای اقتصاد امریکا توظیف نموده بود، در مورد بذل کمک قضاوت مثبت مواصلت نمود. از جمله سه کمیسیون، عمده ترین آنها کمیسیونی تحت رهبری اورییل هریمن وزیر تجارت بود که نزده شخصیت برجسته امریکا عضویت آن را داشتند. کمیسیون هریمن در ۷ نوامبراپوری را تحت عنوان European Recovery and American Aid تهیه نمود که در پهلوی راپور CEES

اساس پلان مارشال را به آن شکلی که در ۱۹ دسمبر به کانگرس تقدیم شد ، تشکیل میداد .

کمک اضطراری

درعین زمان انکشافات در اروپا متوقف نبود. در بعضی از کشورهای اروپایی اوضاع اجتماعی - اقتصادی تا حدی نگرانی برانگیز بود که انتظار نتایج مباحثات بر پلان مارشال را در کانگرس ناممکن میساخت . حکومت ایتالیا در ماه سپتمبر بنابر کمبود دالر مجبور به قطع خریداری ذغال سنگ ، تیل و غیره اموال مهم شد. ترومن میخواست تا ایتالیا ، فرانسه و اطیش کمک سریع بدست بیاورند تا عاجلترین احتیاجات خودرا تخفیف ببخشند. به این سه کشور یکجایی درماه دسمبر ۵۲۲ میلیون دالر کمک عاجل داده شد. یک دلیل عمده ای که به اساس آن حکومت ایتالیا و فرانسه این کمک را طور اضطراری بدست آوردند این بود که کمونیستها در انتخابات شهرداری ها در نوامبر ۱۹۴۷ سی فیصد آراء را از آن خود نمودند ودر ایتالیا کم از کم بهمان اندازه هواخواه داشتند . PCF هدایت به اعتصابات همگانی داد که اقتصاد فرانسه را جداً دچار بینظمی ساخت . در هالند که آرامش کارگری حکمفرما بود، حکومت از داشتن یک چنین دلیل موثر محروم بود. باآنهم، لیفتینک وزیرمالیه هالند عقیده داشت که وضعیت دارایی دالری هالند آنقدر نگران کننده است که هالند را نیز مستحق کمک اضطراری میسازد. او میخواست تا هیرشفیلد بحیث عضو هیئت CEES در واشنگتن ، یک میموراندومی را به حکومت امریکا تسلیم بدهد که در آن ، بنابر وضعیت دشوار دالری ، برای هالند تقاضای کمک عاجل بعمل بیاید.

اما هیرشفلد میدانست که هالند مستحق کمک عاجل شمرده نمیشود. اوضاع هالند با فرانسه و ایتالیا قابل مقایسه نبود. هیرشفلد نمیتوانست ادعا کند که هالند را گرسنگی تهدید میکند ویا اینکه کمونیستها در شرف بدست گرفتن قدرت هستند. حتی مشکل بود حکومت امریکا را به این فاکت معتقد ساخت که ریزرف های دالری هالند به اتمام رسیده است . در کشتی هنگام سفر بسوی امریکا ، کمیسیون هرتر به او فهرستی از دارایی های هالند در امریکا را نشان داد که از سفارت امریکا در لاهه بدست آورده بود. ازین فهرست وانمود میشد که دارایی های هالند قریب به یک میلیارد دالر بالغ میگردد. هیرشفلد در مورد توضیح نمود که ارقام متعلق به سال ۱۹۴۵ میباشدند و بیش ازین مطلوب نیست که دارایی های شخصی از خارج احضار گردد . و اسناد بهادار برای ضمانت قرضه هایی است که از خارج بدست آورده میشود. باآنهم ، نزد اعضای کانگرس این احساس باقی ماند که هالند بسیار محتاج نیست. ۲۰

در ۲۷ اکتوبر هیرشفلد وضعیت دالری هالند را در وزارت خارجه امریکا به وزیر امور خارجه توضیح نمود. اما میموراندوم لیفتینک را به او تسلیم نداد. زیرا، چنانچه او به آگاهی لیفتینک رساند، میدانست که «موقف تاکتیکی مارا تقویت نخواهدکرد». ۲۱ اعداد و ارقام شامل میموراندوم

صرف واضح میساخت که وضعیت هالند بمانند فرانسه وایتالیا آنقدرها نا امیدکننده نیست.

تخریش در مناسبات

اظهارات خود مختارانه هیرشفلد سبب تخریش خاطر لیفتینک گردید که در غیرآنها از دو روز بدینطرف بر مضمون یک مقاله در روزنامه فولکس کرانت عصبانی بود. این مقاله تحت عنوان « هالند میتواند هنوز انتظار بکشد » بر مبنای یک کنفرانس مطبوعاتی تحریر شده بود که ازطرف هیرشفلد در واشنگتن دایر گردیده بود. با در نظرداشت آنکه به عقیده لیفتینک هالند بلامعطلی بکمک دالری نیاز داشت ، تصویری که خبرنگاران در واشنگتن بدست آوردند برای او مایه نهایت تأسف بود. فان بوتزیلایر برای هیرشفلد نوشت که لیفتینک در رابطه با این موضوع برای او با اعصاب نا آرام تلفون کشیده بود. « منشأ آنچه خاطر این استادرا تخریش نموده است ، اینست که شما قبل از حرکت تان بطرف امریکا شخصاً با او تماس نگرفته اید. وقتی من به او گفتم که اینجانب نیز امکان نداشتیم تا با شما صحبت کنم ، سبب نشد که بالوسیله تیل بر آتش پاشیده باشم . » ۲۲ باپاشیدن تیل بر امواج ، منظور بوتزیلایر: آیا لفاظی عارفانه یک دولتمردی بود که خود را نیزاز جانب هیرشفلد نادیده گرفته شده احساس مینمود؟

بیشتر در همین ماه لیفتینک با تأکید در شورای وزراء گفت : « مشکل است توضیح شود که چرا آقای هیرشفلد قبل از آنکه روانه واشنگتن شود بغیر از صدراعظم با هیچکدام دیگر از همتان خود ملاقات نکرده است . آیا آقای هیرشفلد خود را بحیث عضو کمیسیون تخنیکی (هیئت CEES در واشنگتن) نماینده همه اروپائیان احساس میکند؟ » بعقیده لیفتینک سایر اعضای هیئت « در امریکا اولتر از همه منافع کشور های خود را مد نظر میداشته باشند». ۲۳ لیفتینک کاملاً حق نابجانب نبود. اما هیرشفلد درمقابله بی امان با حکومت و وزارت های امریکا در رابطه با پلان بازسازی اروپا ، بخاطر نقش اروپا در موفقیت پلان بیشتر احساس مسئولیت مینمود. ۲۴ او شرم میدانست که بدون دلایل کافی کمک اضطراری مطالبه شود ، درحالیکه در وزارت خارجه برای پاس نمودن پلان مارشال از کانگرس بشدت کار صورت میگرفت . در عکس المل به تخریشی که نزد لیفتینک از ناحیه تقاضا نشدن کمک اضطراری بوجود آمده بود ، هیرشفلد ضمن یک جواب خصوصی به بوتزیلایر اظهار داشت : «درضمن نباید فراموش کنیم که در حقیقت امر ما یک بخششی میخواهیم که در تاریخ جهان تابحال سابقه نداشته است. بناً کسی نباید تخریش شود اگر این بخشش صاف وساده با ژست دوستانه به سر میز انداخته نمیشود. » ۲۵

« UNITED STATES OF EUROPE »

پلان مارشال یکی از بزرگترین اقدامات قانونگذاری در تاریخ کانگرس امریکا بود. بندرت یک طرح

قانونی با چنین وسعت و با چنین کثرت تفصیلات تخنیکی مورد بحث قرار گرفته بود. مباحثات از نیمه دسمبر ۱۹۴۷ تا اپریل ۱۹۴۸ ادامه یافت. مباحثه پیرامون پلان مارشال صرف در حدود کنگرس منحصر نماند. مجلس نمایندگان و مجلس سنا به استماع بیش از سه صد نفر صاحب نظران پرداختند، که اکثریت آنها اشخاص خارج از حکومت بودند. گذارشات جلسات استماعیه قریب به چهار هزار صفحه میشد. اشتراک مطبوعات و اذهان عامه در مباحثات بر پلان مارشال به نحو گسترده تأمین گردیده بود.

نزد مردم امریکا این عقیده قویاً وجود داشت که تنها یک اروپای واحد میتواند نجات بیابد. « Europe must federat or perish »، برسرزبانها بود. وحدت به اروپا صلح و شکوفانی میآورد. بسیاری امریکاییها خود را وابسته به سرنوشت دنیایی احساس میکردند که خود از آنجا نشئت کرده بودند و آرمان داشتند تا دنیای کهن را از رفاه سیستم امریکا بهره مند بسازند. سناتور ج. ویلیام فولبرایت حتی میخواست تا قطعنامه ای در باره ایجاد ایالات متحده اروپا در قانون مد نظر گرفته شود. چنین کاری صورت نگرفت، اما کانگرس تعریفی را در قانون گنجانید که ادامه کمک را به پیشرفتها در عرصه همکاریهای متقابل اروپایی وابسته میساخت. در زمان مباحثات کانگرس در باره پلان مارشال، در مطبوعات و در خود کانگرس انتقادات زیاد به ارتباط موضوعگیری پسيف CEES و عدم توافق دولتهای اروپایی بر موضوع ایجاد یک سازمان دایمی در اروپا بوقوع می پیوست. وقتی اروپا خودش خود را کمک نمیکرد، پس امریکا چرا باید به اروپا کمک مینمود؟ مسئولین رسمی حکومت امریکا خاطر نشان میساختند که اندازه کمکی که کانگرس با آن موافقه خواهد کرد وابسته به ابتکاراتی است که در اروپا رویدست گرفته میشود. بناءً حکومت اروپایی از طریق سفارتهای شان در واشنگتن ویا سفارت های امریکا در کشور های خودشان ترغیب میشدند نشان بدهند که تا چه اندازه مشتاق همکاری متقابل هستند. ۲۷

فان کلیفنس که در جولای ۱۹۴۷ بحیث سفیر هالند در ایالات متحده مقرر شده بود در ۶ جنوری ۱۹۴۸ به فان بوتزیلایر نوشت: « اخیراً از یک منبع داخلی به من مشوره داده شد که کشورهای اروپایی باید در عرصه همکاریهای متقابل برای احیای دسته جمعی خویش ابتکارات بیشتری به نمایش بگذارند، بطورمثال از طریق مطالعه اتحادیه گمرکی ویا رویدست گرفتن کدام اقدام بیشتر دیگری. باید بخاطر برطرف ساختن نارضائیتی کانگرس کمک بعمل بیاید. اما چنین احساس کم از کم در سطوح بلند دیده نمیشود.» ۲۸ چنین تقاضا از طریق سفارت امریکا در لاهه نیز بصورت غیر رسمی بعمل آمد.

سازمان برای همکاریهای اقتصادی در اروپا

یک سازمان دایمی

تحت فشار امریکا امور اروپا بار دیگر به تحرک آمد. بعد از مذاکرات آمادگی در ماه های جنوری و فبروری ۱۹۴۸ شانزده وزیر امور خارجه در پانزدهم مارچ در پاریس گردهم آمدند. در آنجا خطوط کلی ایجاد یک سازمان برای همکاریهای اقتصادی در اروپا (OEEC) مورد بحث قرار گرفت . این سازمان صرفاً مرتبط با پلان مارشال نبود بلکه وظایف وسیعتر از پروگرام بازسازی را بعهده داشت . انگلستان باید مقاومت خود را بر علیه ایجاد یک سازمان دایمی برطرف میساخت.

رئیس جمهور ترومن سند **The Economic Cooperation Act** را امضا مینماید. پشت سر او از راست به چپ : اشیسون ، سناتور کونالی ، هوفمن و (نیمه قابل دید) هریمن. (آرشیف عمومی دولت)

اما انگلیسها میخواستند از دادن صلاحیتهای مستقل به سکرتر جنرال OEEC ، چنانچه پیشنهاد فرانسویها بود، جلوگیری کنند. تمام فیصله های عمده بوسیله شورای وزیران ، عالیتترین ارگان اتخاذ میگردد. سکرترجنرال باید به امور جاری رسیدگی مینمود.

انگلستان یگانه کشوری نبود که از ناحیه نیرومند شدن سازمان OEEC نگرانی داشت . سوئزرلند ، آیرلند و ممالک سکاندیناوی نیز نمیخواستند که OEEC صلاحیتهای مستقلانه بدست بیاورد. هالند ازین مطالبه انگلیسها حمایت کرد که فیصله ها در شورا باید از طریق رأی گیری سری صورت بگیرد. هراس وجود داشت که در صورت شکل گیری فیصله ها بوسیله اکثریت از

جانب قدرتهای بزرگ دیکته بوقوع نپیوند.

هیرشفلد کاندید وظیفه سکرترجنرالی بود. او از حمایت امریکاییها و کشورهای بنی لوکس برخوردار بود، اما برتانویها، فرانسویها و سکاندیناویها مخالف او بودند. چنین کمپرومایز صورت گرفت که در نتیجه سپاک وزیر خارجه بلجیم بحیث رئیس شورای وزیران و ر. ماریولین فرانسوی بحیث اولین سکرترجنرال OEES انتخاب شدند. در ۱۶ اپریل ۱۹۴۸ معاهده به امضاء رسید.

« OLD JOE HELPED US OUT AGAIN »

یک ونیم ماه قبل ازین در پراگ حاکمیت کمونیستی برقرار گردیده بود. کودتای دولتی ماه فبروری بر دنیای غرب تأثیر بزرگی وارد نمود. آخرین دموکراسی در عقب پرده آهنین فرو افتاد. ده سال پیشتر، بعد از توطئه موشن هتلر توانست مارش خود را اندازی کند. احساس ضرورت توقف گفتن به ستالین در همین فرصت به پیمانیه وسیع فضای کانگرس را فرا گرفته بود، که بزودی منجر به تکمیل نمودن پلان مارشال گردید. در وزارت خارجه که نگرانی زیادی از ناحیه موضعگیری اپوزیسیون در کانگرس وجود داشت، مامورین در برابر همدیگر میگفتند: « Old Joe helped us out again ». ۲۹ در ۳ اپریل ۱۹۴۸ رئیس جمهور ترومن موفق شد در پایان سند * The Economic Cooperation Act امضا کند. کمک مارشال توانست آغاز شود.

احساس اروپایی

OEES به سازمانی مبدل نشد که امریکایی ها مدنظر داشتند. همکاری میان کشورهای اروپایی جریان طبیعی نیافت. کار در OEES بمانند کانفرانس پاریس به نبرد بخاطر دالر مبدل گردید. بناً امریکاییها بعد از دو سال، کار ترتیب نمودن پیشنهاد توزیع کمکهای مارشال را بدست خود گرفتند. بدینترتیب OEES یکی از مهمترین وظایف خود را از دست داد. موفقیت OEES در چه بود؟ کشورهای عضو خود را مکلف ساختند سراز نوامبر ۱۹۴۹ تجارت متقابل را بصورت تدریجی با فیصدی فزاینده آزادکنند. اما این قاعده صرف دربرگیرنده ممانعت های کمی ویا بعباره دیگر تدابیر برای تنظیم مقدار اموال بود. مالیات تورییدی موقتاً بحال خود باقی بودند. در پهلوی الغای محدودیتهای کمی، ایجاد اتحادیه تادیاتی اروپا (EBU) برای آزاد شدن تجارت داخلی اروپا حایز اهمیت بزرگ بود. کثیرالجانبه شدن روابط تادیاتی داخل اروپا که بوسیله EBU مروج میگردد، تجارت داخلی اروپا را از قبضه بیلاترالیزم رهایی میبخشید. اما بوجود آمدن اتحادیه تادیاتی زیادتر به برکت همکاریها در چوکات OEES نبود.

EBU عمدتاً خارج از OEES از طریق مساعدت امریکاییها که سرمایه ابتدایی اتحادیه تادیاتی را بدسترس گذاشتند، ایجاد گردید.

* The Economic Cooperation Act بخش اول Foreign Assistance Act بود که شامل چهار بخش میشد. درسه بخش دیگر در زمره سایر کشورها، کمک بکشورهای یونان . ترکیه وچین نیز مد نظر گرفته شده بود.

تصویرخیالی از همکاریهای متقابل اروپا. با این پلاکات راین دیرکسن نقاش هالندی برنده یک جایزه اروپایی در هنر گرافیک شد . (فصل پنجم دیده شود)

بصورت مشخص OEES دستآوردهای زیادی نداشت . با آنهم نباید بنقش OEES در انتیگراسیون اروپا کم بها داده شود. این اولین باری بود که دولت ها ارقام وداده های اقتصادملی را تبادله نمودند. حکومتات ، بالوسیله در جریان پرابلمهای همدیگر قرار گرفتند و وادارشدند تا

اثرات سیاست‌های اقتصادی خود را بر اقتصاد کشورهای عضو به محاسبه بگیرند. تنها برقراری ارتباطات بذات خود یک پیشرفت خیلی‌ها بزرگ بشمار میرفت. سیاست‌های ملی اقتصادی بصورت آشکار از خارج مورد انتقاد قرار میگرفت. به اعتراف OESO، که در سال ۱۹۶۱ جانشین OEES گردید، مفاد (OEES) تا امروز از طریق تحلیل‌های اقتصادی آن محسوس است. همچنان کنفرانس پاریس که قبل از تأسیس OEES تدویر یافت، و در آن هرکس به فریب دیگران میپرداخت، جاییکه آنقدر دسیسه، دروغ و تأسف وجود داشت، برای انتیگراسیون اروپا حایز اهمیت عملی بود. آنجا در پاریس، جاییکه در آن روزها و شب‌های تابستانی بالای پلان بازسازی اروپا کار میشد، جاییکه ماموران جوان از ملت‌های مختلف در کمیسیون‌های تخنیکی مشترکاً کار

مینمودند و به شناخت همدیگر میپرداختند، در همانجا احساس اروپایی‌ونیت نیک نسبت به دولتهای همدیگر بوجود آمد. در همانجا یک گروه متشکل از اشخاصی شکل گرفت که در انتیگراسیون بعدی اروپا نقش بزرگی را ایفانمودند. *

* درینجا میتوان از اشخاصی مانند J.C.Snoy d Oppuersd بلجیمی، Marjoline فرانسوی و Van der Beugl ،

Spiereburg هالندیها نام برد.